



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)

صَادِقٌ: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِی، عَرَفْنَا عَلَی هَذَا الصَّادِقِ.

صادق: باورش سخت است! ای پدرم، ما را با این دوست آشنا گردان.

الأب: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَسَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ،

پدر: او حافظه‌ای قوی دارد، و شنواییش ده برابر بالاتر از شنوایی انسان می‌باشد.

و وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا، وَهُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تَرْضَعُ صِغَارَهَا.

و وزن او حدوداً به دو برابر وزن انسان می‌رسد، و آن از حیوانات پستانداری است که به بچه‌هایش شیر می‌دهد.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُجِيبُ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

نورا: آن حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست؟

الأب: بَلَى! بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَّافِينَ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

پدر: آری، قطعاً، دلفین‌ها می‌توانند ما را به محل سقوط هواپیمایی یا مکان غرق شدن یک کشتی هدایت کنند.

الأُمُّ: تُؤَدِّي الدَّلَّافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَالسَّلْمِ، وَتَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبَ وَاسْرَارٍ،

مادر: دلفین‌ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کنند، و آنچه را از شگفتی‌ها و اسرار زیر آب هست کشف می‌کنند.

و تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَی اِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجْمَعِ الْأَسْمَاكِ.

و به انسان در کشف مکان‌های تجمع ماهی‌ها کمک می‌کنند.

صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَّافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟

صادق: دلفین‌ها را دیدم که حرکات گروهی انجام می‌دادند؛ آیا باهم صحبت می‌کنند؟

الأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَّافِينَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ،

مادر: بله؛ در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تاکید می‌کنند که دلفین‌ها می‌توانند با بکارگیری صداهای مشخص صحبت کنند.

و أَنَّهَا تُغَنِّي كَالطُّيُورِ، وَتَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَتَصْفُرُ وَتَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

و اینکه آن‌ها مانند پرندگان آواز می‌خوانند، و همچون بچه‌ها گریه می‌کنند، و مثل انسان سوت می‌زنند و می‌خندند.

نورا : هَلْ لِلدَّلَافِينِ أَعْدَاءٌ؟  
نورا : آیا دلفین ها دشمنانی دارند؟

آلَبُ : بِالتَّأَكِيدِ ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينُ سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوًّا لَهَا ، فَإِذَا وَقَعَ نَظْرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ ،  
پدر : قطعاً، دلفین ها کوسه ماهی را برای خود یک دشمن به حساب می آورند ، وهنگامی که نگاهشان به کوسه ماهی بیافتد،  
تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا ، وَتَضْرِبُهَا بِأَنْوِفِهَا الْحَادَّةِ وَتَقْتُلُهَا .  
به سرعت اطرافش جمع می شوند ، و با بینی های تیزشان آنها را می زنند و آنها را می کشند .

نورا : وَهَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا ؟  
نورا : و آیا درحقیقت دلفین انسان را دوست دارد؟

آلَبُ : نَعَمْ ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنْتِ ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ ،  
پدر : بله ، بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم ... جریان آب مردی را به شدت به اعماق (دریا) کشید ،

وَبَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ : رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ

و مرد بعد از نجاتش گفت : ناگهان چیزی مرا با قدرت به سمت بالا برد ، سپس مرا به ساحل کشاند  
وَلَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي ، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا ، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ .

وهنگامی که تصمیم گرفتم از نجات دهنده ام تشکر کنم ، کسی را نیافتم ، اما دلفین بزرگی را دیدم که کنارم در آب  
با خوشحالی می پرید .

الْأُمُّ : إِنَّ الْبَحْرَ وَالْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ .

مادر : براستی دریا و ماهی ها نعمت بزرگی از جانب خداوند هستند .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : رَسُولُ خِذَا (ص) فرمود :

النَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ عِبَادَةٌ : نَظْرُكَ فِي اللَّهِ ، نَظْرُكَ فِي الْوَالِدَيْنِ ، وَالنَّظْرُ فِي الْبَحْرِ .

النَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ ، وَالنَّظْرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ ، وَالنَّظْرُ فِي الْبَحْرِ .

نگاه کردن به قرآن ، و نگاه کردن به چهره پدر و مادر و نگاه کردن به دریا .

- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ .
- ۱ - الدُّلْفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا .  
 دلفین از حیوانات پستانداری است که به بچه‌هایش شیر می‌دهد .
- ۲ - يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرَشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَالسَّلْمِ .  
 کوسه ماهی نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کند .
- ۳ - سَمِعُ الْإِنْسَانِ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ .  
 شنوایی انسان ده برابر برتر از شنوایی دلفین می‌باشد .
- ۴ - سَمَكُ الْقِرَشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ .  
 کوسه ماهی دوست انسان در دریاهاست .
- ۵ - سَمَكُ الْقِرَشِ عَدُوُّ الدُّلْفَيْنِ . كوسه ماهی دشمن دلفین‌هاست .
- ۶ - لِلدُّلْفَيْنِ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ . دلفین‌ها بین‌های تیزی دارند .

### إِعْلَمُوا (الْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ)

در زبان فارسی به حروفی مانند « به ، برای ، بر ، در ، از » حروف اضافه و در عربی حروف جر می‌گویند .  
 به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی « حروف جر » می‌گویند این  
 حروف به همراه کلمه‌ی بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند .  
 مثال : مِنْ قَرْيَةٍ ، فِي الْغَابَةِ ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ ، عَلَى الْوَالِدِينَ ، بِالْحَافِلَةِ ، لِلَّهِ ، عَنْ نَفْسِهِ ، كَجَبَلٍ  
 به حرف جر ، جارّ و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو این‌ها « جار و مجرور » می‌گویند .

### أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ :

مِنْ	از
------	----

( ... حَتَّى تُتَفَقَّهُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ) أَلْ عِمْرَانُ : ۹۲ / ( مِمَّا = مِنْ + مَا ) / تَأْتِيكَ مِنْ دُورٍ أَوْ مِنْ قُرْبٍ .

( ... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ ) الْإِنْسَانُ : ۲۱ / دُورٌ مِنْ دُورٍ أَوْ مِنْ قُرْبٍ .

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ : / مِنْ هُنَاكَ إِلَى هُنَاكَ

در	فی
----	----

( هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ) الْبَقَرَةُ : ۲۹ او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید .

النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) رهایی در راستگویی است .

إِلَى	به ، به سوی ، تا
-------	------------------

( سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ) الْإِسْرَاءُ : ۱  
پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد .

( قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ ) الْإِسْرَاءُ : ۱  
گفت : « چقدر درنگ کردی ؟ » گفت : « یک روز یا بخشی از یک روز . » گفت : « نه ، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکی و نوشیدنی ات بنگر . »

كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ . کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می کرد .

عَلَى	بر ، روی ، برپایه ی ، به زیان ، بخاطر
-------	---------------------------------------

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) مردم بر دین پادشاهانشان هستند .

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، (بر شماست پایبندی به صفات برتر اخلاقی) زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است .

الذَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ . أمير المؤمنين علی (ع) روزگار دو روز است؛ روی به سودت و روزی به زیانت .

الْحَقِيبَةُ عَلَى الْمِنْضَدَةِ . کیف روی میز است .

بِ	به وسیله ی ، با ، در
----	----------------------

( اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ) الْعَلَقُ : ۳ و ۴

بخوان و پروردگارت گرامی ترین است ؛ همان که به وسیله ی قلم آموخت .

( وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ) آل عمران : ۱۲۳ و خدا شما را در (جنگ) بدر یاری کرد .

<sup>۱</sup> - «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است .

لِ	برای ، از آن (مال) ، داشتن
----	----------------------------

(لِيَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) النَّسَاء : ۱۷۱ آنچه در آسمان ها و زمین است ، از آن اوست .

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص) هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد .

(لِيَكُم دِينُكُمْ وَ لِيِيَ دِينِ) الْكَافِرُونَ : ۶ دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم .

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِيَأْنِي نَسِيتُ مِفْتَاحِي . برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم .

عَنْ	از ، درباره
------	-------------

( وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ ) الشُّورَى : ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگان می پذیرد و از بدی ها در می گذرد .

( وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ) الْبَقَرَةُ : ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم .

كَ	مانند
----	-------

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است .

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَوَّتَةِ .

۱- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ . الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع جار و مجرور مبتدا و مرفوع مفعول به مبتدا مفعول به

علم بهتر از ثروت است . علم تو را حفظ می کند و ( در حالیکه ) تو از ثروت محافظت می کنی .

۲- \* قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ... \*

جار و مجرور

## نونُ الوِقایة

در متن درس کلمات « یُحیرُنِی » و « أَخَذَنِی » را مشاهده کردید .

وقتی که فعلی به ضمیر « ی » متصل می‌شود، نون و قایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود . مثال :

یَعْرِفُنِی : مرا می‌شناسد .      اِرْفَعُنِی : مرا بالا ببر .

أَخَذَنِی : مرا بُرد .      یُحیرُنِی : مرا حیران می‌کند .

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرَجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ .

۱- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ ( ابراهیم : ۴۰ )

پروردگارا، مرا برپا دارنده‌ی نماز قرار ده ...

۲- اَللّٰهُمَّ اِنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي . رَسُوْلُ اللهِ (ص)

خدایا به من بواسطه‌ی آنچه به من آموختی سود برسان و به من بیاموز آنچه به من سود می‌رساند .

۳- اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِي بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ . رَسُوْلُ اللهِ (ص)

یقیناً خداوند مرا به مدارا کردن با مردم دستور داده است همانطور که مرا به برپایی واجبات دستور داده است .

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُوْرًا وَّ اجْعَلْنِي صَبُوْرًا وَّ اجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيْرًا وَّ فِيْ اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيْرًا . رَسُوْلُ اللهِ (ص)

خدایا مرا بسیار شکرگذار قرار بده و مرا بسیار شککیبا قرار بده و مرا در چشم خودم کوچک و در چشم‌های مردم بزرگ قرار ده .

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید .

حوار ( مع مَشْرِفِ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ )

گفت و گو ( با مدیر داخلی خدمات هتل )

السَّائِحُ گردشگر	مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ مسئول پذیرش
عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْئُولُ تَنْظِيفِ الْغُرْفِ وَ الْحِفَاظِ عَلَيْهَا ؟ ببخشید ؛ مسئول پاکیزگی و نگهداری از اتاق ها کیست ؟	السَّيِّدُ دِمَشْقِيٌّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ . مَا هِيَ الْمَشْكَالَةُ ؟ آقای دمشقی مدیر داخلی خدمات اتاق های هتل است . مشکل چیست ؟
لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً ، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ . اتاق ها تمیز نیستند و نقص هایی دارند .	أَعْتَذِرُ مِنْكَ ؛ رَجَاءً ، إِسْتِرْحَاحًا ؛ سَأَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ . از تو معذرت می خواهم ؛ لطفاً ، استراحت کن ؛ با مدیر تماس خواهم گرفت .
مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمَشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ . مسئول پذیرش با مدیر تماس می گیرد و مدیر با مهندس تعمیرات می آید .	
مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ مدیر خدمات هتل	السَّائِحُ گردشگر
مَا هِيَ الْمَشْكَالَةُ ، يَا حَبِيبِي؟! مشکل چیست ، دوست من !؟	لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زُمَلَائِي نَظِيفَةً ، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ . اتاق من و اتاق های همکلاسی هایم ( همکارانم ) تمیز نیستند ، و نقص هایی دارند .
سَيَّأْتِي عَمَالُ التَّنْظِيفِ ، وَ مَا الْمَشْكَالَاتُ الْأُخْرَى ؟ کارگران نظافتچی خواهند آمد ، و مشکلات دیگر چیست ؟	فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ ، در اتاق اول تخت شکسته وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ ، و در اتاق دوم ملافه کم است ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمَكِّيْفُ لَا يَعْمَلُ . و در اتاق سوم کولر کار نمی کند .
نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ . سُنْصَلِحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ ؛ عَلَيَّ عَيْنِي . از شما عذرخواهی می کنم . هر چیزی ( همه چیز ) را به سرعت درست خواهیم کرد ؛ به روی چشمم .	تَسَلَّمَ عَيْنُكَ! چشمت بی بلا



- التَّمارين ( التَّمْرينُ الأوَّلُ : عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ . ✓ x
- تمرین اول : جمله‌ی درست و نادرست را طبق حقیقت و واقعیت مشخص کن .
- ۱ - عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ . ✓
- هنگامی که جریان برق در شب قطع می‌شود ، هر مکانی در تاریکی فرو می‌رود .
- ۲ - الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ . x
- طاووس از پرندگان آبی است که بالای کوه‌های برفی زندگی می‌کند .
- ۳ - الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ . x
- دانش‌نامه لغت‌نامه‌ای بسیار کوچک است که کمی از دانش‌ها را جمع می‌کند .
- ۴ - الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبِحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ . ✓
- ساحل منطقه‌ای خشک کنار دریاها و اقیانوس‌ها است .
- ۵ - الْأَنْفُ عَضْوُ التَّنْفُسِ وَ الشَّمِّ . ✓
- بینی عضو نفس کشیدن و بویایی است .
- ۶ - الْخَفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ . ✓
- خفاش پرنده‌ای از پستانداران است .

التَّمْرينُ الثَّانِي : ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ الثَّلَاثَةِ . « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »

تمرین دوم : در جای خالی کلمه‌ی مناسبی از کلمات زیر قرار بده . « دو کلمه اضافیست »

أُنُوفٌ / دَوْرٌ / قَفْزٌ / بَلْغُنَا / أَسْرَى / أَسَاوِرٌ / الذَّاكِرَةُ / تَيَّارٌ

- ۱ - اِشْتَرَى أَبِي لِأَخْتِي الصَّغِيرَةِ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ .
- پدرم برای خواهر کوچکم دستبندهایی از جنس طلا خرید .
- ۲ - كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ دَوْرَهُ بِمَهَارَةٍ بِالْغَةِ . هَرُ دَانِشْ أَمُوزِي نَقْشِشْ رَا بَا مَهَارَتِ زِيَادِي بَازِي مِي كَرْد .
- ۳ - قَالَ الطُّلَّابُ : بَلْغُنَا السَّنَةَ السَّادِسَةَ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمْرِ .
- دانش‌آموزان گفتند : به شانزده [ سالگی ] از عمر رسیدیم .
- ۴ - عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَ حَدَّثَتْ تَيَّارٌ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ .
- بادهای شدیدی وزید و جریانی در آب اقیانوس ایجاد شد .
- ۵ - أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةِ الذَّاكِرَةِ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النِّسْيَانِ .
- به تو نصیحت می‌کنم کتابی پیرامون راه‌های تقویت حافظه بخوانی برای اینکه تو فراموشکار هستی .
- ۶ - لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جَدًّا قَفَزَ مِنْ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّلَاثِ .
- همکلاسی بسیار تیزهوشی داریم که از کلاس اول به کلاس سوم جهش کرد .

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ : تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ ضَعِ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ .

۱ - ( وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ) النَّمل : ۱۹

و مرا به رحمت خود در [ زمره‌ی ] بندگان شایسته‌ات در آور ( داخل کن ) .

۲ - ( وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ) آلِ عِمْرَانَ : ۱۴۷

و ما را بر مردم کافر پیروز گردان .

۳ - أَذِيبُ الْمَرْءَ خَيْرٌ مِنْ ذَهَابِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

ادب مرد ( انسان ) بهتر ( ارزشمندتر ) از طلایش است .

۴ - عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ . أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

ذکر خدا بر تو واجب است ( باید که خدا را یاد کنی ) پس یقیناً آن نور دل است .

۵ - جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ . أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (ع)

زیبایی دانش گسترش دادن آن است و میوه‌ی آن عمل کردن به آن ( دانش ) است .

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ . = ≠

بَعَثَ	صِغَارَ	شَاطِئِي	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَارَ	أَقَلَّ	ضَوءَ	بَعُدَ	سَاحِلِ
فرستاد	کودکان	سامل	فرستاد	گریه کرد	بزرگان	کمتر	(روشنایی)	دور شد	سامل
ضَحِكَ	ظَلَامَ	أَكْثَرَ	بَغْتَةً	قَرَّبَ	دَفَعَ	فَجَاءَةً	كَتَمَ	إِسْتَلَمَ	سَتَرَ
خندید	تاریکی	بیشتر	ناگهان	نزدیک شد	پرداخت	ناگهان	پنهان کرد	دریافت کرد	پوشاند

بَعَثَ = أَرْسَلَ      شَاطِئِي = سَاحِلِ      بَغْتَةً = فَجَاءَةً      كَتَمَ = سَتَرَ      صِغَارَ ≠ كِبَارَ

بَكَى ≠ ضَحِكَ      أَقَلَّ ≠ أَكْثَرَ      ضَوءَ ≠ ظَلَامَ      بَعُدَ ≠ قَرَّبَ      دَفَعَ ≠ إِسْتَلَمَ

الْتَمِرِينَ الْخَامِسُ : تَرْجِمِ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاعِ، ثُمَّ اَكْتُبْ زَمْرَهُ . (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)  
 يَبْلُغْنَ / صِغَارٍ / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقَذٌ / مَرَقٌ (خورش) / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورٌ / حَادَّةٌ /  
 دَوْرٌ / لَبَوْنَةٌ / كَذَلِكَ / جِمَارِكُ (گمرک) / زَبُوتٌ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمٌ / ثُلُوجٌ / سِوَارٌ / رَائِعٌ

۱	کوچک ها	ص	غ	ا	ر
۲	این طور	ک	ذ	ل	ک
۳	تیز	ح	ا	د	ة
۴	پدیده	ظ	ا	ه	ر
۵	سوت زدند	ص	ف	ر	و
۶	روغن ها		ز	ی	و
۷	نقش		ذ	و	ر
۸	شنوایی		س	م	ع
۹	جالب		ر	ا	ئ
۱۰	نجات دهنده		م	ن	ق
۱۱	نامیدیم	س	م	ی	ن
۱۲	دستبند		س	و	ا
۱۳	گرم و صمیمی		ح	م	ی
۱۴	برفها		ث	ل	و
۱۵	حافظه	ذ	ا	ک	ر
۱۶	پستاندار	ل	ب	و	ن
۱۷	پرندگان		ط	ی	و
۱۸	رسانید		أ	و	ص
۱۹	باران بارید		أ	م	ط
۲۰	بخشید		ع	ف	ا
۲۱	می رسند	ی	ب	ل	غ
۲۲	ترانه خواندید	غ	ن	ی	ت
۲۳	گریه کرد		ب	ک	ی

قال أمير المؤمنين علي (ع) : « الدهرُ يومانٍ ؛ يومٌ لكَّ وِ يومٌ عليكَّ » :

روزگار دو روز ( دو گونه ) است . روزی برای ( به نفع ) توست و روزی علیه ( ضد ) توست .

التَّمْرِينُ السَّادِسُ : تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ .  
 ۱- ( وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ) النَّبَأُ : ۴۰

و کافر می گوید: «ای کاش من خاک بودم.» --- « کل این جمله مفعول به است .

۳- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

همنشینی با دانشمندان عبادت است .

۴- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

خوب پرسیدن نصف دانش است .

۵- الْعَالِمُ بِإِعْمَالِ كَالشَّجَرِ بِإِثْمَرِهِ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است .

۶- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ :

صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ . رَسُولُ اللَّهِ (ص)

هنگامی که انسان بمیرد عملش قطع می شود بجز از سه جا : کار نیکی جاری ، یا علمی که از آن سود برده می شود، یا فرزند نیکوکاری که برایش دعا می کند .

**\*أنوار القرآن\***

عَيْنٌ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةٌ مَا تَحْتَهُ حَطٌّ .

۱- ( رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ )

پروندگان، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده ؛

۲- ( وَ اَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ) ...

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار بده ؛

۳- ( وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ )

و روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛

۴- ( يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ )

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رسانند ؛

۵- ( فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ) الْمَائِدَةَ : ۴۸ در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید .

۶- ( وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اَمْواتٌ بَلْ اَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ) الْبَقَرَةَ : ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگویید، بلکه زنده اند ولی شما نمی‌دانید .

**الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ**

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصْبِ حَوْلِ حَيَوَانَ، وَ اَكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ، ثُمَّ تَرْجِمْهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ .

به دنبال داستان حقیقی کوتاهی پیرامون حیوانی بگرد و آن را در روزنامه‌ای دیواری بنویس ، سپس آن را با

کمک لغت‌نامه‌ی « عربی به فارسی » به فارسی ترجمه کن .